

همه ما غالبا پای روضه ها نشسته ایم و در جلسات عزاداری حضور داشته ایم. یکی از چیزهایی که برای ما در این جلسات رخ می دهد، این است که با خودمان می گوییم این کسانی که در مقابل امام حسین^(ع) ایستادند و این فجایع را به بار آوردند، چه انسان های پست و تاریکی بودند و چقدر گرفتار شقاوت و زالت بودند. اصلا این ها انسان نبودند، بلکه حیواناتی بودند که ظاهر انسانی داشتند.

درحالی که عارفان و استادان اخلاق می گویند همه ما شمر و یزیدهای بالقوه ای در درون خود داریم. همه ای که بخواهد از جریانات عاشورا درس بگیرد، فقط یک سؤال در ذهن می پروراند؛ اینکه چه می شود یک انسان با توده ای از احساسات و عاطفه به مقام جانوری می رسد که حتی از وحشی ترین حیوانات نیز بدتر شود.

شما تصور کنید توحش بشر تا کجایی تواند پیش برود که پدري، پسرش را روی دست بگیرد و آب بخواهد اما در جواب، تیر سه شعبه به گلوئی نواز پرتاب کنند. حقیقت چه بود؟ آیا این ها انسان نبودند؟ موجوداتی از نژاد دیگر بودند؟ از هویتی غیرانسان سرشته شده بودند؟ و البته فقط آن ها بودند که این طوری شدند؟ خدای عالم می فرماید: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» یعنی بدترین جانوران آن هایی هستند که کافر شدند و ایمان نمی آورند. حقیقت هم همین است.

معمولا وقتی آدم های بد را می بینیم، اول متوجه وضعیت عمل آن ها می شویم تا معلوم شود مثلا این ها چه کار خطا و خلافی کرده اند. براساس همین عملکرد هم قضاوت می کنیم، درحالی که عمل، مبدأ انحراف نیست، بلکه نتیجه آن محسوب می شود. وقتی انسان از مقام بندگی و عبودیت عدول کرد، آن زمان است که انحراف او در عملش نمود پیدا می کند، درواقع، انحراف از دل شروع می شود. افرادی که آمدند کریلا و در مقابل پسر پیامبر^(ص) صف آرایی کردند، آدم های خیلی خوش نام و باسابقه ای بودند، خیلی از این ها در جنگ احد کنار پیامبر^(ص) جنگیده بودند، زخم بر تنشان بود و جانبا ز بودند اما وقتی پیرمرد هشتادساله شدند، آمدند به کریلا و با سنگ و عصا بر سر بریده نوه همان پیامبر^(ص) زدند. این سرنوشتی منحصر در کریلا نیست و همه ما می توانیم این طور باشیم. در وجود همه ما گرایشی وجود دارد به نام خداخواهی. یک خواستن های دیگری نیز همچون گرایش های مادی و دنیوی درمقابل این وجود دارد. تاروژی که خداخواهی در وجود ما پیروز است و خواستن های دیگر تحت الشعاع این خداخواهی قرار دارد، انسان عبد و بنده می ماند اما اگر این تمایلات بر خداخواهی ذاتی ما اولویت پیدا کرد، آن زمان است که ما هم شمر و حرمه می شویم.

افرادی که خطاب به آن ها می گوییم «یا لیتنا کتا مَک فَتَفُوزَ قَوْزًا عَظِيمًا» و آرزو می کنیم کاش با آن ها بودیم تا در سرنوشت پسرصادقشان سهیم باشیم، همه مثل ما بودند. فقط در دل هایشان، خداخواهی همیشه واجب تر از تمایلات دیگر بود؛ زیرا همان دلخواه هایی که در دل نفوذ می کنند تا خداخواهی را تضعیف و متزلزل کنند، اگر راه پیدا کنند و پرورش یابند، از اینجا انسان بدبخت می شود. از خداوند بزرگ می خواهیم که ملکه باارزش تقوا را در وجود ما جای دهد و ما را از پیروان راستین اهل بیت طاهرش قرار بدهد، آن شاء...!

برگرفته از خطبه های نماز جمعه مشهد
تظلم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

اشارت

شمع روشن

ریحانه عامل نیک! امروز بنا به روایتی شهادت امام حسن^(ع) است؛ امامی که ما ایشان را با مظلومیتشان به خاطر می آوریم. در اینکه امام حسن^(ع) با شهادت مظلومانه در ذهن ما به جای مانده اند، بحثی نیست اما وجود مبارک ایشان و نحوه زیست عابدانه و موحدانه شان به عنوان فرزند امام و امامی معصوم از زوایای مختلف قابل بررسی است.

ایشان به یخشندگی شهره بوده اند و از کودکی به هوش سرشار معروف؛ چنان که از حضرت فاطمه^(ص) درباره ایشان حدیث نیز داریم. همین هوشمندی بود که موجب شد به عنوان نور خداوند در تاریکی و گمراهی زمانه شان بدرخشند و چراغ هدایت را برای مسلمانان با صلح خود روشن نگه دارند. بهترین اثری که در مورد این ماجرا وجود دارد، کتاب صلح شیخ رازی آل یاسین است که رهبر معظم انقلاب این اثر را با نام «باشکوه ترین نرمش تاریخ» ترجمه کرده اند.

در این کتاب از تمثیلی زیبا حرف زده می شود که اسلام؛ مانند شمعی که آخرین نفس هایش را می کشد است، امام حسن^(ع) هم مانند شخصی است که تمام تلاشش را کرده و شمع را در آغوش گرفته است تا خاموش نشود. معاویه همان تاریکی است که می خواهد این شمع را خاموش کند. تمام نکاتی که امام در نامه نوشته اند، به نفع اهل بیت است. معاویه باید پس از امضای نامه بازگردد به شام، اما امام که می روند به سمت کوفه، معاویه هم به سمت کوفه می رود.

معاویه نامه ای به امام حسن^(ع) می دهد که به سمت فلان سرزمین برود و با فلان گروه بجنگد تا نشان بدهد امام تحت سلطه اوست. امام هم به او جواب تندی می دهند که اگر من می خواستم با اهل قبله بجنگم، با تو می جنگیدم. معاویه به کوفه می آید و سخنرانی می کند و صلح نامه را پاره می کند و بدین وسیله مسیر تاریخ را به انحراف می کشاند، «کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس»

بردار و بخوان

پدر

در معنای پیامبری و چرایی بعثت پیامبران، استدلال های عقلی و نقلی زیادی بیان شده است. در دهه اول ماه صفر، ماه از دست دادن وجود عزیز و گران قدر پیامبر اکرم^(ص) هستیم؛ ماهی که ماه ماتم است و برای همه تاریخ، اندوه در خود دارد، اندوهی به عمق و لطف نعمت و وجود پیامبر^(ص) ما هرچه بیشتر به کنه و ریشه جلوه رحمت خدا در خلق پیامبر توجه کنیم، بیشتر متوجه بزرگی مصیبت فقدان ایشان می شویم.

برای شناخت زوایای مختلف وجود پیامبر^(ص) خصوصا جلوه ولایت و پدری ایشان، کتاب «پدر» را به شما پیشنهاد می کنیم. نثر نرجس شکوربان در کتاب پدر بسیار روان، زیبا و دلنشین است. نویسنده توانسته است مفهوم پدرانه ولی و پیامبر را برای ما ملموس و و دل انگیز توصیف کند.

در قسمتی از کتاب آمده است:

«گاهی وقت ها خسته ای، خیلی روح و جسمت یک نوازش درست و حسابی طلب می کنی، یک حال خوب، یک هوای پر نسیم، یک چشم انداز زیبا تا افق، یک تکیه گاه محکم، یک چشم امیدوار، یک کسی که مثل همه نباشد همیشه باشد، هر جا و هر وقت که تو هوایش را کردی، او هوای تو را با قطره قطره باران وجودش، لطیف کند. هوای بارانی نه؛ هوای آفتابی بارانی. هم آفتاب باشد، هم روشن باشد، هم قطره های باران. مثل دست نوازشگر پدر، آنچه ما از پیامبر و ولی خود می خواهیم، تنها راه روشن و استدلال های عقلی نیست، بلکه برای داشتن قلبی سلیم نیز به نرمش و عطوفت مولایی احتیاج داریم تا بتوانیم در آیینه وجود او یاد بگیریم و مهر و بریزیم و پیام آیینه تمام نمای رحمت بر عالم است. این کتاب را نشر عهد ما نا در ۹۶ صفحه منتشر کرده است.



در گفت وگو با رئیس دانشگاه قرآن و حدیث، شاخصه های رفتاری امام موسی کاظم^(ع) بررسی شد

پرتوی از سیره و صفات امام صبوری

آمنه مستقیم! هفتمین روز از ماه صفر بنا بر برخی اقوال، مزین است به سالروز ولادت حضرت موسی بن جعفر^(ع)، امامی که ارزش های اخلاقی بی مثال را برای ما به یادگار گذاشته اند و عمل به این فضایل والگوبرداری از آن ها، بهشت دنیا را برایمان محقق می کند، به مناسبت فرارسیدن این روز در گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین عبدالهادی مسعودی، رئیس دانشگاه قرآن و حدیث، این میراث ماندگار را مرور کرده ایم.

●●● عبد صالح ●●●

صفت دیگر امام موسی کاظم^(ع)، «العبد صالح» یا همان بنده شایسته خداست. ما در روایات داریم که راوی ها هرگاه می خواستند حدیثی از امام کاظم^(ع) نقل کنند، ایشان را العبدالصالح می نامیدند؛ البته شاید این امر به دلیل زندانی بودن حضرت بوده است تا نام ایشان را نبرند اما این لقب می تواند به خاطر عبادات شایسته حضرت هم باشد، چنان که درباره کیفیت نماز و عبادات ایشان، وصف های بسیار نقل شده است.

●●● وفادار به عهود ●●●

از القاب دیگر امام هفتم^(ع) «الوفی» است به معنای وفاداری و وفای به عهد. این صفت نیز در قرآن کریم مدح شده است. کسی که وفا به آن پیمان بسته است، یعنی انسان پیمان با خداوند بسته است، پیمان با انسان های دیگر بسته است، پیمان برای امامت نگاه داشتن و قیادت امت بسته است. این وفاداری خود از مهم ترین صفات است.

●●● شکل گیری اجتماع توحیدی ●●●

در مورد الگوبرداری از امام کاظم^(ع) در صفت امامتداری هم باید گفت اگر امامتداری و اعتماد به بازارهای ما برگردد، دادوستد رواج بسیار پیدامی کند. اگر امامتداری در ریاست اداره، در ریاست لشکر، در وزارتخانه، در مدیریت های کل رعایت شود، ما دیگر با اختلاس، دزدی، بدگمانی مواجه نمی شویم. تمام این صفات اخلاقی وقتی در سطح کلان جامعه اجرا شوند، زمینه تشکیل یک جامعه توحیدی و یک اجتماع الهی فراهم می شود.

●●● شبیه جدش امام علی ●●●

از القاب دیگر حضرت، «الامین» است. امامتداری یکی از دو رکن اصلی ایمان است. امام صادق^(ع) درباره چرایی رسیدن امام علی^(ع) به این درجه از منزلت و جایگاه رفیع و بالا نزد خداوند متعال و پیامبر اکرم^(ص)، می فرمایند: به خاطر امامتداری و صدق و راستی علی بن ابیطالب^(ع) این منزلت را نزد پیامبر^(ص) پیدا کردند؛ موسی بن جعفر^(ع) هم مثل جد بزرگوارشان امین بودند. امین بر مال مردم، جان مردم، دین مردم، شریعت و شئون دینی مردم و هرآنچه امام در آن ها بر امت باید امین باشد.

●●● نیروسازی و شاگردپروری ●●●

از دیگر ابعاد مهم سیره امام کاظم^(ع)، شاگرد پروری و نیروسازی است؛ چنان که ایشان بیش از دویست نفر از اصحاب و شیعیان را آموزش دادند که این امر نشان دهنده عالم بودن حضرت و وجود علم و دانش و حکمت در ایشان است. روایات بسیار زیادی از موسی بن جعفر^(ع) در حوزه های فقه، اخلاق، معارف دینی و معرفت علمی به جای مانده است؛ به طور مثال در «تحف العقول» نقل شده است که حضرت می فرمایند، «هرگونه کمک به افراد ناتوان صدقه محسوب می شود»، این یعنی لازم نیست صدقه به صورت نقدی باشد. هر کار نیک و معروف به ویژه یابری و یاری دادن به افراد کم توان، صدقه محسوب می شود.

●●● اسوه کظم غیظ ●●●

اگر بخواهیم سیره و رفتار ائمه^(ع) را به پیروان آن ها نشان دهیم، یکی از راه هایش این است که در القاب این بزرگان دقت کنیم. خوشبختانه بیشتر ائمه اطهار^(ع) القاب بی شماری داشته اند که نشان دهنده آن است که این بزرگان در عرصه های مختلف از رفتار و سیره های زیبا و درستی برخوردار بوده اند. اولین لقب امام هفتم شیعیان، الکاظم است. واژه کاظم در قرآن تصریح شده است، «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ» یعنی آنکه شخصی بتواند خشم خود را فروببرد.

یکی از حالت های سخت کنترل هیجان، حالت خشم است؛ به این معناکه شاید انسان بتواند جلوی خنده خود را بگیرد یا بتواند ناراحتی و حزن خود را پنهان کند، ولی خشم به دلیل آنکه شیطان در آن دخالت مستقیم دارد و نیز از حالت هجومی برخوردار است، کنترلش سخت است. در دعای هشتم صحیفه سجاده که به دعای استعاذه مشهور است، آمده است: «در مقابل حمله دمنشانه حیوان درنده ای که به انسان هجوم می آورد، به خدا پناه می برم». ما برای اثبات برخی گناهان به چهار شاهد نیاز داریم، ولی برای ثابت کردن قتل دو شاهد لازم است. این درحالی است که کسی که مرتکب قتل می شود، بالاترین گناه را انجام داده است. دلپیش آن است که این اتفاق بر تعداد رخ می دهد و وقتی طرف خشمگین می شود، دیگر نمی تواند خود را کنترل کند و به عواقب کارش فکر نمی کند و نمی تواند خشمش را به سرعت فرو بنشاند. اگر خشم خود را فروببرد، کظم غیظ کرده است؛ صفتی که مدوح قرآن است و بارها و در بالاترین درجه در سیره امام کاظم^(ع) وجود داشته است و ایشان اسوه والای کنترل خشم هستند.

حجت الاسلام والمسلمین مسعودی؛ روایات بسیار زیادی از موسی بن جعفر^(ع) در حوزه های فقه، اخلاق، معارف دینی و معرفت علمی به جای مانده است

●●● صبر بی مثال ●●●

امام هفتم شیعیان، القاب دیگری نیز دارند؛ یکی از آن ها «الصابر» است. صبر به معنای آن است که انسان سختی ها، ناراحتی ها و ناخوشایندهای زندگی را تحمل کند بدون اینکه از مدار حق خارج شود، بدون آنکه از خود بی تابی نشان دهد، بدون اینکه از مواضع اصولی خود کوتاه بیاید، بدون آنکه عقل و فکرش، توانایی کار نداشته باشد. صبر یعنی آنکه انسان در مقابل ناملایمات بتواند خود را به درستی مدیریت کند.

امام کاظم^(ع) به صابر هم مشهور است؛ زیرا یکی از دوره های بسیار سخت طولانی زندان را ایشان تحمل کرده است. ما درباره سایر ائمه^(ع) دوران زندان نداریم؛ البته امام حسن عسکری^(ع) و امام های^(ع) در یادگان یا شهر سامرا که شبیه یادگان است، حضور داشته اند اما امام کاظم^(ع) چندین سال در زندان انفرادی در سیاه چالی بدون نور و بدون امکانات، در بند بودند و در همین حال آن چنان به عبادت و طاعت خدا مشغول بودند که هارون الرشید و زندان بان ها را به تعجب واداشتند.

روشنا

قال رسول ا...^(ص): الزیارة تثبت المودة.
بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۵

روزی مقدر

حلال بودن کسب و درآمد آن قدر مهم است که پیامبر اکرم^(ص) در حجه الوداع، هنگامی که در مسجد الحرام بودند، فرمودند:

«بدانید که جبرئیل به من الهام کرد هیچ انسانی نمی میرد، مگر وقتی که تمام روزی مقدرش به او رسیده باشد. پس، از خدا بترسید و در طلب روزی، حریص نباشید و دیر رسیدن رزق حلالتان، شما را وادار نکند که عجله کنید و رزق خود را از راه حرام بخواهید، خداوند، رزق حلال را بین مخلوقاتش تقسیم کرده و روزی حرام را قسمت نکرده است.»

عمل انسان هاست. برای کسب این درآمد، شرطی قرار داده است تا مانع هرگونه عمل زشت و ناپاک برای رسیدن به این هدف شود. «حلال بودن» مال و درآمد، همان شرطی است که در هر قدم این راه، باید نقش بندد و ماندگار شود. آیه دوم سوره نسا، به همین موضوع اشاره می کند.

در بخشی از آیه می خوانیم:

«وَلَا تَتَّبِعُوا الْاَٰخِیَّتِ بِالطَّلِبِ»
«مال پاکیزه را به خبیث تبدیل نکنید.»

فیولفر نویدی! کسب درآمد زیاد یا به عبارتی پولدار شدن، یکی از آن اموری است که از همان ابتدای خلقت بشر، ذهن همه انسان ها را به خود اختصاص داده است. انسانی که دوست دارد هر آنچه میلش طلب می کند، به راحتی بخرد، به دست آورد و به همین سبب به دنبال راه های متفاوتی می گردد تا درآمد خود را روز به روز افزایش دهد. خداوند متعال که خالق همه مخلوقات و دانا بر ذهن و

احکام

سؤال سوم

آیا می توان بدون اجازه پدر در پیاده روی اربعین شرکت کرد؟

آیت... العظمی خامنه ای؛ اگر سفر شما بدون اطلاع والدین موجب ایذا (آزار دادن) ایشان شود، جایز نیست و در صورتی که پدر به دلیل شفتقت پدری از رفتن به سفر نهی می کند، اطاعت کنید.

آیت ا... العظمی مکارم شیرازی؛ اگر این سفر موجب اذیت و آزار آن ها نشود، اشکالی ندارد. و الا جایز نیست.

هر که دارد هوس کرب و بلا بسم ا...!

در این روزهای گرم تابستانی، شیعیان حسینی گرم آمادگی برای سفر کریلا هستند. با هر که حرف می زنیم، با خودش راهی پیاده روی بزرگ اربعین است یا اطرافیان و خانواده اش عازم اند؛ به همین دلیل بهتر است برخی احکام اربعین را بدانیم.